

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آنطور که بوده  
و نه آنطوری که امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

( 8 )

توطئه بزرگ

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب دوم : اسرار نوار قرنطینه

برگردان : ماکان

از انتشارات حزب کار ایران ( توفان )

بخش دوازدهم

میلیونرها و خرابکاران

## 1 - ملاقاتی در پاریس

در یک بعداز ظهر اواخر پائیز 1928 ، تعدادی مهاجر بسیار ثروتمند روسی با مخفی کاری فراوان ، در یک سالن غذاخوری خصوصی در رستورانی در گران بولوار پاریس گرد آمدند . همه گونه اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از کشف گفتگوهای آنان توسط افراد خارج ، بعمل آورده شده بود . جلسه مزبور توسط رهبران تورگ پران ، کارتل بین المللی میلیونرهای سابق تزاری تربیب داده شده بود . نام مردانی که درین جلسه گردآمده بودند در روسیه قدیم جنبه ای افسانه ای داشت : گ . ان . ن . بل ؛ ان . س . دنیسف ، ولادیمیر ریابوشینسکی و سایر چهره های سرشناس . این میلیونرهای مهاجر برای مذاکره ای فوق محرمانه با دو بازدید کننده برجسته از روسیه شوروی گرد آمده بودند .

پروفسور لئونید رامزین دانشمند برجسته روسی و مدیر انستیتوی ترموتکنیک مسکو و عضو شورای عالی اقتصادی شوروی ، یکی ازین بازدید کنندگان بود . ملاقات کننده دیگر ویکتور لاریچف ، رئیس بخش سوخت کمیسیون برنامه ریزی دولتی اتحاد شوروی بود .

پروفسور رامزین و ویکتور لاریچف برای ماموریتی باصطلاح دولتی به پاریس آمده بودند اما انگیزه اصلی آنان درین بازدید ، گزارش دهی از فعالیت های سازمان جاسوسی- خرابکاری مخفی تحت رهبریشان ، به رهبران تورگ پران بود .

سازمانی که زیر رهبری رامزین ولاریچف قرار داشت " حزب صنعتی " نامیده میشد . این سازمان بطور عمده از عناصر تکنوکرات روسیه قدیم تشکیل شده بود ، عناصری که قشری ممتاز را در رژیم تزار تشکیل می دادند . تعداد اعضای این حزب بادعای خود آنان دو هزار نفر بود .

بسیاری از آنان صاحب مشاغل مهم تکنیکی شوروی بودند . اعضای این حزب با حمایت و هدایت تورگ پران فعالیت های خرابکارانه و جاسوسی را در صنعت شوروی به پیش می بردند . پروفسور رامزین نخستین سخنران در جلسه رستوران مربوطه بود . وی به شنوندگانش گفت که هرگونه اقدام ممکن در راه ممانعت از پیشرفت برنامه وسیع پنج ساله ای که توسط استالین در راستای تلاش فشرده و وسیع وی برای صنعتی کردن روسیه یعنی یک ششم کره زمین برپا شده بود ؛ بعمل آمده است . او گفت که اعضای حزب صنعتی در کلیه شاخه های صنعت شوروی فعال بوده و فنون بدقت سیستماتیزه و علمی خرابکاری را بکار می برند .

رامزین در دنباله توضیحات خود گفت :

" یکی از شیوه های ما حداقل استانداردها می باشد و این بمفهوم کند سازی پیشرفت اقتصادی و انجماد در فرایند صنعتی سازی کشور است . دومین شیوه ایجاد عدم تناسب میان شاخه های مختلف اقتصادی ملی و نیز مابین بخشهای هر شاخه می باشد و سرانجام روش "انجماد سرمایه "

که عبارتست از سرمایه‌گذاری یا در امری مطلقاً غیر ضروری و یا در امری که در حال حاضر عمده نبوده و ممکن است بعتوق انداخته شود. "

پروفسور رامزین خشنودی خود را از نتایج بدست آمده بویژه از شیوه " انجماد سرمایه " اظهار داشت :

" این شیوه بمفهوم پائین آوردن ضریب رشد صنعتی بمعنای سریع می باشد و بدون شک سبب نزول سطح زندگی اقتصادی کشور و در نتیجه نارضایتی در میان توده های وسیعی از مردم گردیده است. "

پروفسور رامزین از سوی دیگر خاطر نشان ساخت که پیشرفت کارها امید بخش نبوده است . گروهی از اعضای حزب صنعتی که در معادن شاختی به کار مشغول بوده اند ، اخیراً توسط ا . گ . او . دستگیر شده اند . چندین نفر دیگر نیز که در حمل و نقل و صنایع نفتی کار می کرده اند بهمین ترتیب بدام افتاده اند . علاوه برین از زمانی که لف ترستی به تبعید فرستاده شده و جنبش اپوزیسیون وی از هم پاشیده ، آن نارضایتی و مبارزه سیاسی داخلی سابق نیز ، در سطح وسیع خوابیده و بموازات آن عملیات حزب صنعتی با دشواری بسیار روبرو گردیده است . رامزین در خاتمه گفت : " ما به حمایت بیشتری از جانب شما نیازمندیم . اما چنانچه قرار است بلشویکها سرنگون شوند ، دخالت نظامی را بیش از هر چیز دیگر ضروری می بینیم . "

پس از آن ان . اس . دنیسف ، گرداننده تورگ پران رشته سخن را بدست گرفت . سکوتی احترام آمیز گروه کوچک را در بر گرفت .

" همانطور که اطلاع دارید ، ما ملاقاتی با آقای پوانکره و آقای بریان داشته ایم . آقای پوانکره مدتهاست استقبال خود را از نظریه سامان بخشی به یک دخالت نظامی بر علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اعلام داشته است و در یکی از کنفرانس های اخیر با او ، همانطور که ممکن است بخاطر داشته باشید ، اظهار داشت که مسئله قبلاً به ستاد فرماندهی نظامی فرانسه برای اجراء ، ارجاع شده است . اکنون افتخار دارم خبرهای جدیدی که دارای اهمیت فوق العاده می باشد ، به این اطلاعات اضافه نمایم . "

دنیسف ، در حالی که شنوندگانش با ناشکیبایی انتظار شنیدن سخنانش را داشتند ، مکثی دراماتیک کرده و سپس ادامه داد :

" خبری که برایتان دارم این است که ستاد فرماندهی فرانسه کمیسیونی ویژه به رهبری سرهنگ ژوان ویل برای سازماندهی تهاجم بر علیه اتحاد شوروی برپا نموده است . " (1)

بلافاصله همهمه هیجان آلودی برخاست و همه به سخن گفتن درین اطاق مملو از دود آغاز نمودند . چندین دقیقه گذشت تا دنیسف سرانجام قادر گردید سخن خود را با گزارش از فعالیتهای تورگ پران دنبال نماید ...

## 2 - طرح حمله

زمان تهاجم نظامی به اتحاد شوروی برای اواخر تابستان سال 1929 یا حداکثر تابستان 1930 تعیین گردید .

قرار برین شد که عمده نیروی نظامی توسط لهستان ، رومانی و فنلاند تامین شود . ستاد فرماندهی فرانسه ، ارسال مربیان نظامی و احتمالاً استفاده از نیروی هوایی را بعهده بگیرد . آلمان تکنیسین ها و هنگ های داوطلبان را تدارک و انگلیسی ها نیروی دریایی خود را بعاریت دهند . نقشه حمله اقتباسی از طرح هوفمان بود .

اولین حرکت می بایستی توسط رومانی ، بدنبال تحریک یک حادثه مرزی در بسارابیا انجام گرفته و سپس لهستان بهمراه ایالات مرزی بالتیک مداخله نمایند . ارتش سفید و رانگل که گفته می شد مرکب از 100 000 نفر می باشد عرض رومانی را پیموده و به ارتش متعرض در جنوب بپیوندد . ناوگان انگلیس عملیات دریای سیاه و خلیج فنلاند را حمایت نماید . نیرویی شامل قزاقان

کراسنف که از سال 1921، در بالکان متمرکز شده بودند، در سواحل دریای سیاه، در نواحی استان نوار اسپسک پیاده شده و بطرف دون حرکت نمایند و در آنجا شورش قزاقان دون را دامن زده و آن را به اوکراین گسترش دهند. هدف از این ضربه قطع ارتباط بین میدان های زغال سنگ دونتس و مسکو و ایجاد بحران در امر تامین فلزات و سوخت شوروی بود. مسکو و لنینگراد بطور همزمان مورد حمله قرار می گرفتند و در همان حال ارتش جنوبی با جناحی از آن در ساحل راست دنپپر نواحی غربی اوکراین را در می نوردیدند.

کلیه حملات می بایستی بدون هیچگونه اعلان جنگ و بگونه ای کاملاً غافلگیرانه صورت گیرد. بنظر می رسد که ارتش سرخ در برابر چنان فشاری بسرعت مضمحل شده و سقوط دولت شوروی چند روزی بیشتر بطول نخواهد انجامید.

در کنفرانسی که توسط رهبران تورگ پرام ترتیب داده شده بود، سرهنگ ژوان ویل از سوی ستاد فرماندهی نظامی فرانسه از پروفیسور رامزین درباره امکان کسب کمک نظامی فعال از سوی عناصر اپوزیسیون در داخل شوروی، بهنگام تهاجم از خارج، جويا شد.

رامزین پاسخ داد که این عناصر اگرچه پس از اخراج لف ترسکی پراکنده شده و بزیر زمین پناه برده اند، ولی تعدادشان هنوز آن اندازه هست که نقشی را درین زمینه ایفا نمایند. سرهنگ ژوان ویل توصیه نمود که حزب صنعتی و متفقین آن یک "شاخه نظامی" ویژه برپا نمایند. وی نام چندین مامور مخفی فرانسوی در مسکو را که می توانستند در برپایی چنین سازمانی مدد برسانند، به رامزین داد ...

پروفیسور رامزین همچنان بعنوان مقام تجاری شوروی، برای ملاقات نمایندگان رویال داچ شل متعلق به دیتردینگ و متروویکرز تراست تسلیحاتی غول آسای انگلیس تحت تسلط بازیل زاهارف شیطان صفت که زمانی صاحب منافع عظیمی در روسیه تزاری بود، از پاریس به لندن روانه شد. به اطلاع دانشمند روسی رسانیده شد که اگرچه فرانسه نقش عمده را در طرح مداخله علیه روسیه شوروی بعهده دارد، انگلیس نیز آماده است که نقش خود را درین زمینه ایفا نماید. سرمایه های انگلیس ازین عملیات حمایت مالی کرده، به آوردن فشارهای سیاسی برای منفرد ساختن شوروی ادامه و ناوگان انگلیس را در زمان حمله به عاریت خواهند داد ...

پروفیسور رامزین در بازگشت به مسکو، به شرکایش در توطئه درباره نتایج سفر خود به خارج گزارش داد. در نتیجه توافق شد که حزب صنعتی کوشش خود را صرف انجام دو وظیفه نماید: ایجاد بحرانی ترین وضعیت در صنعت و کشاورزی در جهت تحریک نارضایی عمومی و تضعیف دولت شوروی و توسعه دستگاهی برای اعطای کمک مستقیم به ارتش های مهاجم از طریق عملیات خرابکارانه و تروریستی در پشت خطوط شوروی.

وجوه مالی تورگ پرام، از طریق ماموران فرانسوی در مسکو برای تضمین عملیات خرابکارانه در مراحل گوناگون صنعت، بداخل سرازیر شد. سهم صنایع فلزی ازین بابت 500 000 روبل، صنایع سوختی- نفتی و زغالی 300 000 روبل، صنایع نساجی 200 000 روبل و صنایع برقی 100 000 روبل بود.

بنا بدرخواست کارگزاران فرانسوی، انگلیسی و آلمانی، اعضای حزب صنعتی و متحدینشان بگونه ای منظم گزارشات ویژه جاسوسی در مورد تولیدات هواپیمایی، ساختمان فرودگاه ها، توسعه صنایع شیمیایی و اسلحه سازی و وضعیت راههای آهن، تهیه می کردند.

هر چه زمان تعرض نظامی نزدیکتر می شد آرزوهای میلیونرهای تزاری اوج بیشتری می گرفت. یکی از رهبران تورگ پرام یعنی ولادیمیر ریابوشینسکی در روز 7 ژوئیه 1930 مقاله ای حیرت آور بنام "جنگی ضروری" در روزنامه سفیدهای پاریس، وزاراشد نیه منتشر ساخت که در آن گفته می شد:

نبردی که بر علیه انترناسیونال سوم، در راه تضمین آزادی روسیه در پیش است بدون تردید عادلانه ترین و سودمند ترین جنگ ها است. وی اضافه می کرد که تلاشهای قبلی برای دخالت در روسیه ازین روی به شکست منتهی و در نتیجه رها شده که اجرایشان بسیار پر خرج بوده است:

از سال 1920 تا 1925 ، خبرگان نظامی حاضر به اجرای این عملیات در عرض مدت شش ماه و با ارتشی مرکب از یک میلیون نفر بوده اند . مخارج این عملیات 100 میلیون لیره استرلینگ برآورده شده بود .

میلیونر مهاجر تزاری می افزود که بدلیل وجود مشکلات داخلی در زمینه سیاسی و اقتصادی در روسیه شوروی ، هزینه لازم برای درهم شکستن رژیم شوروی بمیزانی قابل ملاحظه کاهش یافته است :

با احتمال قوی 500 000 نفر جنگی و سه تا چهار ماه کافی خواهد بود تا کار یکسره شود . سرکوبی نهایی دارو دسته های کمونیست البته به زمان کمتری نیاز خواهد داشت و این بیشتر عملیاتی پلیسی خواهد بود تا نظامی .

ریا بوشینسکی سپس به شمارش بسیاری از منافع " تجاری " که از تعرض به روسیه حاصل میشد پرداخته و اطمینان داد که یک اقتصاد شکوفا در روسیه که تحت کنترل مردانی چون وی قرار دارد ثروت سالانه عظیمی را باعث خواهد شد :

" این ثروت که از طریق تقاضا برای کالا های گوناگون به سیستم اقتصادی اروپا سرازیر خواهد شد ، ارتش پنج میلیونی افراد بی مشغله در اترش ، آلمان و بریتانیای کبیر را از بین برخواهد کند .

جهاد ضد شوروی البته " یک تعهد عظیم و مقدس و یک وظیفه اخلاقی برای انسانیت است " ولی حتی اگر این امر را در نظر نگیریم و به آن تنها " از نقطه ی نظر مادی گرایانه و بی روح تجارت نگاه کنیم ... می توانیم باین امر اطمینان داشته باشیم که هیچگونه معامله ای در جهان از نظر بازرگانی توجیه پذیر تر و پرسود تر از رهایی روسیه نیست .

با صرف یک میلیارد روبل ، نه کمتر از 5 میلیارد روبل بچنگ انسان می افتد ، سودی معادل پانصد درصد در سال و با دورنمای افزایش سالانه ای برابر با صد تا دویست درصد در کجا تجارتی ازین پر منفعت تر سراغ دارید ؟ "

\* \* \* \* \*

#### توضیحات :

( 1 ) - سرهنگ ژوان ویل قبلا ارتش متجاوز فرانسه در سبیری در سال 1918 را فرماندهی کرده بود . ستاد فرماندهی نظامی فرانسه در زمانی که جلسه تورگ پرام در پاریس تشکیل می شد ، مرکب بود از مارشال فوش ، که دخالت نظامی علیه روسیه را از سال 1919 تبلیغ کرده بود ، مارشال پتن که احساسات ضد شوروی اش تنها با وحشت و نفرتش از دموکراسی برابری می کرد و ژنرال وگان که نیروهای لهستانی را در سال 1920 علیه ارتش سرخ رهبری کرده و از آن زمان بصورت شریکی خستگی ناپذیر در هر نوع توطئه ی ضد دموکراتیک و ضد شوروی شرکت نموده بود .

فوش در سال 1929 درگذشت ؛ آجودان شخصی او رنه لوپیتال متعاقبا رئیس کمیته معروف فرانسه- آلمان گردید که در اواخر سال 1935 توسط مامور نازی اتوآبتس ، برای گسترش تبلیغات نازی و ضد شوروی در فرانسه تاسیس شده بود .

.....  
بهمن ادیب 2006/08/29